خبرها

خنثی شدن طرح تروریستی در نیویورک

شرق: نیروهای امنیتی آمریکا نقشه حمله به تونل های شهر نیویورک را که توسط تروریست های خارجی طرح ریزی شده بود، خنثی کردند. به گزارش آسوشیتدپرس ماموران FBI که چت روم های (فضاهای گفت وگوی اینترنتی) مورد استفاده تندروها را کنترل می کردند، چند ماه پیش متوجه طرحی تروریستی شدند که طی آن قرار بود با هدف قراردادن شبکه حمل و نقل، اقتصاد نیویورک را فلج کنند. مقام های لبنانی به درخواست آمریکایی ها یکی از متهمین این نقشه تروریستی را با نام «امیر آندلوسی» دستگیر کردند. طراحان حمله قصد داشتند با منفجر کردن تونل هلند میان منهتن و نیوجرسی، مناطق مهم تجاری و اقتصادی نیویورک را هدف قرار دهند.

اعلام رسمی پیروزی راست ها در مکزیک

بی بی سی: در انتخابات ریاست جمهوری مکزیک فلیپه کالدرون نامزد حزب محافظه کار حاکم با اختلافی بسیار اندک، به طور رسمی برنده شناخته شد. پس از بازشماری کامل آرا، هیات نظارت کالدرون را تنها با اندکی بیش از نیم درصد، برنده انتخابات شناخت. اما آندرس لوپس اوبرادور، رقیب کالدرون، نتیجه را نپذیرفته و قصد دارد به اقدام حقوقی دست بزند. لوپس عقیده دارد که انتخابات با بی نظمی های فراوان همراه بوده است. او از مقامات کشور خواسته بود آرای انتخابات را به طور کامل بازشماری کنند. مقامات به خواست لوپس عمل کرده و آرای انتخابات را بازشماری کرده اند.

رئیس پارلمان اوکراین انتخاب شد

ایلنا: پارلمان اوکراین با اعطای سمت ریاست پارلمان این کشور به «الکساندر موروز» رئیس حزب سوسیالیست اوکراین موافقت کرد. رویترز گزارش داد: «پس از آغاز به کار مجدد پارلمان اوکراین، نمایندگان با ۲۳۸ رای مثبت و با حمایت حزب مناطق به رهبری «ویکتور یانوکوویچ» نخست وزیر پیشین اوکراین با ریاست «الکساندر موروز» برای تصدی پارلمان این کشور موافقت کردند.» موروز پس از این انتصاب گفت: «این یک انتخاب غیرمنتظره بود.» وی خطاب به نمایندگان پارلمان گفت: «ما باید شرایطی به وجود آوریم که به تنش ها پایان داده شود.» وی افزود: «مطمئن هستیم که می توانیم بر مشکلات غلبه کنیم و پیروزمندانه به راه خود ادامه دهیم.» «ویکتور یانوکوویچ» یکی از طرفداران سیاست های روسیه در اوکراین گفت که موروز تنها کسی است که می تواند اوکراین را یکپارچه نگه دارد.

درخواست برنامه زمانی برای تعطیلی گوانتانامو

ایرنا: گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل، خواستار ارائه برنامه زمانی برای تعطیلی پایگاه «گوانتانامو» از سوی دولت آمریکا شدند. در این درخواست کتبی که عصر پنجشنبه در ژنو منتشر شد، آمده است که واشینگتن باید برنامه زمانی معینی برای بسته شدن این زندان، جابه جایی و یا آزادی زندانیان آن ارائه دهد. این گزارشگران همچنین خواستند که جامعه بین الملل با آمریکا همکاری کند زیرا این همکاری فعالانه در یافتن جایی برای این زندانیان موجب تسریع این روند خواهد شد. این نامه از سوی گزارشگر امور شکنجه سازمان ملل، گزارشگر در امور قضایی، گزارشگر آزادی مذاهب، گزارشگر امور حقوقی بهداشت و مسئول گروه اقدام علیه حبس های خودسرانه امضا شده است.

پیروزی ناسیونالیست ها در مقدونیه

ایسنا: ناسیونالیست های میانه رو حزب VMRO-DPMNE مقدونیه در انتخابات سراسری کاملاً بی دردسر کشورشان به پیروزی قاطعانه دست یافتند تا این کشور فقیر حوزه بالکان به حرکت خود در مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ادامه دهد. به گزارش خبرگزاری فرانسه کمیسیون دولتی انتخابات مقدونیه در اسکوپیه (پایتخت) اعلام کرد که حزب ناسیونالیست VMRO-DPMNE موفق به کسب ۲۳/۵ درصد آرای انتخابات سراسری شد، در حالی که اتحادیه سوسیال دموکرات (SDSM) به رهبری نخست وزیر ولادو بوکوفسکی ۲۳/۳ درصد آرا را به خود اختصاص داد. میزان مشارکت مردم در این جمهوری سابق یوگسلاوی ۵۶/۲ درصد تخمین زده شده است. مجموعاً یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای دادن در انتخابات مقدونیه بودند. در همین حال نیکولا گروئفسکی وزیر دارایی سابق مقدونیه و رهبر حزب راست میانه رو VMRO-DPMNE پس از اعتراف نخست وزیر به شکست حزبش در انتخابات مدعی پیروزی شد. حدود ۷ هزار ناظر بین المللی که اغلب از مقامات محلی بودند وظیفه نظارت بر روند رای گیری ها را برعهده داشتند. گروئفسکی بوکسور آماتور سابق و هنرپیشه ۳۵ساله ای که اکنون به اقتصاددان مقدونیه بدل شده وعده داد که اقتصاد رو به احتضار کشورش را بهبود بخشد و به اشتغال زایی بپردازد.

معاون بلر استعفا نمی دهد

مهر: «جان پرسکات» معاون تونی بلر نخست وزیر انگلستان اعلام کرد استعفا نمی دهد و تمایلی هم برای این کار ندارد. به گزارش ایندیپندنت وی خاطرنشان کرد: نسبت به افشاگری های گذشته در مورد ارتباط نامشروع وی با منشی خود و آسیب های وارده به دولت «بسیار متاسف» است. او همچنین از ارتباط خود با سرمایه دار بزرگ آمریکایی برای ساخت یک مکان تفریحی در «میلنیوم دوم» دفاع کرد و گفت در برابر فشار محافظه کاران و مطبوعات، کناره گیری نخواهد کرد. معاون بلر در برنامه رادیو ۴ بی بی سی افزود: «من به انجام وظیفه خود ادامه می دهم و در حال ادامه آن هستم. من نسبت به آنچه که اتفاق افتاده بسیار متاسف هستم. من معتقدم این اقدام ها برای دولت و حزب من خوب نبوده است البته من از آنها باخبر هستم.» پرسکات به خاطر سقف حقوقی خود که ۱۳۳ هزار پوند (۲۴۷ هزار دلار) است و به خاطر خانه های زیبا و مجلل خود مورد انتقاد قرار گرفت که این انتقادات پس از ترمیم کابینه بلر در ماه مه که منجر به از دست دادن وظایف اصلی خود در کابینه شد، صورت می گیرد.

به زودی هشتاد ساله می شود

بحران جانشینی در کوبای پس از کاسترو

آندرس اسکپیانی آدوریس

ماه آینده کوبا، ۸۰ سالگی کاسترو را جشن خواهد گرفت و هزاران نفر در مراسم تولد او که طولانی ترین دوران رهبری را در تمام جهان داشته، شرکت خواهند کرد. کنار تریبون کاسترو در این مراسم کودک ۱۲ساله ای خواهد ایستاد که تبلور تمام امیدهای او برای نجات انقلاب کوبا است.

■ ■ ■

گرمای سوزان و رطوبت نفس گیر بعدازظهر شهر کوچک کاردناس بیداد می کند. بوی بنزین که از پالایشگاه نزدیک خلیج بلند می شود، فضا را انباشته است. در خیابان کناری درشکه ها از مقابل ساختمان آبی رنگ مدرسه راهنمایی «استبان هرناندس» عبور می کنند. در حیاط مدرسه زیر درختان نخل بچه های مدرسه مشغول صحبت هستند. «الیان گونزالس بروتونس» در میان جمع آنها است؛ پسربچه ای که هفت سال پیش او را از آب های کنار شهر میامی آمریکا بیرون کشیدند تا مسئله تابعیت او در مرکز توجه سیاستمداران، روسای جمهور و کوبایی های مقیم هر دو طرف تنگه فلوریدا در آمریکا و کوبا قرار بگیرد. او را در حالی در آب یافتند که به یک تیوب لاستیک دوچرخه بسته شده بود و تنها نجات یافته از جمع سواران قایقی پر از آوارگان کوبایی بود که در آب متلاشی شده بود. مادرش و نه کوبایی دیگر همگی در راه فرار از کوبا به آمریکا غرق شده بودند. مقام های آمریکایی که الیان را یافتند تحویل خویشاوندانش در میامی دادند. اما این مسئله آتش دشمنی های دیرینه دو کشور را برافروخت. کار به دیوان عالی آمریکا کشید و این دادگاه در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۰ حکم داد که الیان باید به کوبا برگردد. «خوان میگل» پدر ذوق زده به استقبال الیان خندان رفت.

الیان در آن زمان گفت: «آن روز بهترین روز زندگی من بود.» و امروز هم با شلوار رنگی و تی شرت سفید که نشان پرچم کوبا و امضای ارنستو چه گوارا بر آن نقش بسته الیان ۱۲ ساله در میان هم کلاسی هایش خوشحال به نظر می رسد. اما الیان را تنها می توان از دور تماشا کرد، چرا که ماموران امنیتی در تمام مدت دور او را گرفته اند. او از امتیازات ویژه ای برخوردار است، تنها کودک کوبایی که رئیس جمهور کاسترو در مراسم جشن تولدش شرکت می کند. او سمبل مقاومت کوبا در برابر «امپریالیسم» آمریکا است؛ نشانه ایستادگی کوبا برای کودکانش و انقلابش. «ایدانیا دوبره لات» یک انقلابی متعهد است که در موزه محلی شهر، جایی که یک اتاق آن به الیان اختصاص داده شده، به او کامپیوتر درس می دهد. دوبره لات می گوید: «او یکی از اشیای داخل موزه نیست.» تابلو موزه، «نبرد عقاید»، اهمیت الیان را تمام و کمال نشان می دهد. مبارزه بازپس گرفتن او از آمریکایی ها نام «نبرد عقاید» را به خود گرفت؛ نبردی که هدفش دمیدن روحی تازه در کالبد انقلاب کوبا پس از روزهای تاریک دهه نود میلادی بود. سال هایی که از آن به عنوان «دوره ویژه» یاد می کنند و کوبا با از دست دادن حامیان و بازار خود در میان بلوک کشورهای کمونیستی دوران محرومیت سختی را پشت سر گذاشت. الیان نمونه ای است از آن چه نسل بعدی انقلاب کوبا باید باشد. اما نبرد برای ساختن هم نسلان الیان هنوز در جریان است. در کوچه کنار مدرسه بچه ها دور هم جمع شده اند و جوک تعریف می کنند. در داستان آنها بچه شیطان کلاس به دلیل آن که گفته «فیدل باید در اورشلیم (بیت المقدس) دفن شود» تنبیه می شود و او را به خانه می فرستند. مادربزرگش به او می گوید: «اوه پسرم، در اورشلیم نه. مگر نشنیده ای کسانی که در این شهر دفن می شوند پس از سه روز دوباره سر از خاک برمی دارند.»

در هاوانا، پایتخت هم به نظر می آید تلاش برای ساختن نسل انقلاب با مشکل جدی روبه رو شده است. آلفردو از آن دانشجویانی است که پس از اتمام درس به خدمت دولت کوبا درخواهد آمد. اما به نظر می آید از چشم انداز پیش رو و از شیوه حکومت در کوبا چندان راضی نیست. او می گوید: «می خواهم امکان دیدن چیزهای مختلف را داشته باشم، امکان انتخاب از میان اهداف متفاوت. آدم های «فدراسیون دانشجویان دانشگاه» مدام تو را زیر نظر دارند و می خواهند ببینند یک انقلابی «متعهد» هستی یا نه. اگر نباشی ممکن است همه چیز را از دست بدهی. باید مثل یک دلقک، در ظاهر لبخند بزنی و در درون گریه کنی.» پیدا کردن انقلابی های متعهد چندان کار دشواری نیست. آلخاندرا یکی از اعضای فدراسیون دانشجویان است که مدارج ترقی را پشت سر می گذارد. او در حال گذراندن دوران کارآموزی در شرکت های دولتی است و از طرفی مامور نظارت بر این مسئله است که آیا همه چیز همان طور که باید پیش می رود یا نه. در سال های اخیر کاسترو بیش از همیشه به جوانان میدان داده و اطرافیانش را از میان این قشر انتخاب کرده است. به نظر می آید او هم به این نتیجه رسیده که رمز پیروزی و تداوم انقلاب در فتح قلب ها و ذهن های جوانان است. او حدود یک ماه دیگر (۱۳ اوت) ۸۰ساله می شود و صحبت از آینده بدون او کم کم به سخنرانی هایش راه پیدا می کند. نوامبر سال گذشته او به صراحت نسبت به آینده انقلاب کوبا ابراز نگرانی کرد. محل سخنرانی ماه نوامبر آمفی تئاتر دانشگاه هاوانا بود و این به هیچ وجه اتفاقی نبود. او از جمعیت دانشجو پرسید: «آیا قرار است انقلاب از هم پاشیده شود؟ وقتی کسانی که در صف اول انقلابیون بودند کم کم جایشان خالی می شود و جا برای رهبرانی که قرار است از نسل جدید انتخاب شوند، باز می شود، تکلیف چیست؟» این جملات به قلب مهم ترین مشکلی می زند که انقلاب کوبا با آن روبه رو است. از سه هفته بعد از به قدرت رسیدن فیدل در سال ۱۹۵۹، «رائول کاسترو»، برادرش به عنوان جانشین او برگزیده شد. اما سن و سال او هم کم از برادر بزرگتر ندارد و ماه دیگر رائول ۷۵ساله می شود. از سوی دیگر او قدرت رهبری فیدل را هم ندارد و تنها می تواند نقش یک رهبر موقت را بازی کند. برخی معتقدند رهبری کوبا به نسل جوان تر انقلابیون منتقل خواهد شد؛ کسانی نظیر «کارلوس لاگه» وزیر دارایی و «فیلیپه پرس روکه» وزیر خارجه کوبا. اما سئوال کاسترو در آن سخنرانی فراتر از نگرانی برای آینده کوبا است. این که او می گوید آیا انقلاب محکوم به شکست است، نقاب از ترس عمیق تری برمی دارد؛ ترس حکومت کوبا از این که نسل جوان زبان به اعتراض بگشاید و در مقابل دولت بایستد.

«رامون ره نیر» یکی از اعضای انجمن پیشکسوتان انقلاب کوبا است. او می گوید: «کنار آمدن با جوان ها کار ساده ای نیست. باید سخت تلاش کنیم تا به آنها بفهمانیم آینده انقلاب به عملکرد آنها بسته است.» روبرتو برونل، دوست رامون هم می گوید: «بلکه، شاید مجبور شویم برای فهماندن این مسئله به این جوانان متوسل به زور شویم.» روبرتو و رامون هردو هم نسل کاسترو هستند و در سال ۱۹۵۸ در «سیراما ئسترا» به جنبش چریکی فرمانده پیوسته اند. دکتر «خورخه کاسالس ایانو» که دفتر کارش در موسسه روابط بین الملل درست کنار دفتر پرس روکه وزیر خارجه کوبا است. اعتقاد دارد انقلاب های مخملین به شیوه کشورهای شرق اروپا که توسط جوانان رهبری می شود، در کوبا معنایی ندارد چرا که: «آن چیزها همه اختراع یانکی ها است.» او اصرار دارد که نسل کسانی مثل لاگه (وزیر دارایی کوبا) و روکه آنقدر قدرت دارند که رهبری را در دست بگیرند. ترس بزرگ تر از آن است که سیستم از درون خالی و پوک شود. کاسترو در سخنرانی نوامبر تصریح کرد که سال ها قبل بزرگ ترین تهدید را شناسایی کرده و نسبت به آن هشدار داده است. او کسانی مانند آلخاندرا را به همین دلیل جذب کرده؛ سربازان خودسر و فراقانونی برای جنگ با فساد. آلخاندرا می گوید: «هدف ما نوعی پروسترویکا نیست، چون به دنبال چیز جدیدی نیستیم، می خواهیم خطاها را اصلاح کنیم؛ تلاشی برای رسیدن به عدالت. اگر برای عقایدمان نجنگیم، جهانی سازی و لیبرالیسم هجوم می آورند و ما را می بلعند.» آلخاندرا از رهبران دانشجویان انقلابی است، اما از میان دیگر هم نسلانش حدود ۳۰ هزار جوان هستند که نقش نگهبانان انقلاب را ایفا می کنند و بیشتر آنها راه به دانشگاه پیدا نکرده اند. آنها جزء طبقه «تراباخادورس سوسیالس» همان کارگران جامعه هستند یا به تعبیر دیپلمات سابق کوبایی «گابریل کالا فورا» این جوانان را می توان معادل کوبایی «جوانان گارد سرخ مائو» دانست. کاسترو آنان را «پزشکان روح» خطاب می کند، کسانی که وظیفه شان نجات و درمان کوبایی ها از عادات زشتی همچون دزدی و فساد و اختلاس است.

بسیاری از این جوان ها را می توان در اطراف پمپ بنزین ها پیدا کرد. اودالیس یکی از همین جوان ها است. او تی شرت «تراباخادورس سوسیالس» را با افتخار به تن می کند و اطراف پمپ بنزین های حومه شهر ماتانیس پرسه می زند. او مجبور نیست این کار را بکند ولی به گفته خودش «می خواهم این طرف و آن طرف بروم و ببینم اوضاع انقلاب چطور است.» آموزش اودالیس و دیگر جوانان هم عقیده او برای جانشینی کارگران پمپ بنزین هم ظاهراً تجربه جالبی بوده است: اکنون مشخص شده است که بیش از نیمی از بنزینی که پیش از آن فروخته می شده هیچ جایی ثبت نشده است. اما شاید تشخیص و شیوه درمانی کاسترو برای انقلاب کوبا چندان هم درست نباشد. وظیفه «پزشکان روح» این است که «سیب های گندیده را شناسایی کنند.» اما در کوبا آدم های زیادی مشغول به این کار شده اند. پلیس انقلابی همه جا هست و حضور و برخوردش بسیاری از سیب های کال را نرسیده، فاسد می کند. در خیابانی باریک و میان ساختمان های قدیمی شهر هاوانا نوجوانان با یک تکه تخته و یک بطری پلاستیکی مشغول بازی بیس بال هستند. آنها به نظر بی خطر می آیند، اما حضور یک افسر پلیس انقلابی که در گوشه ای ایستاده باعث می شود یکی از پسربچه ها به طعنه بگوید: «ما کلاً ۱۱ میلیون نفر جمعیت داریم که شش میلیون آن پلیس هستند.» کارلوس که مورخ اعتقاد دارد مشکل از چند سیب گندیده فراتر می رود. او می گوید: «انقلاب لازم بود، نه تنها در کوبا بلکه در تمام آمریکای لاتین اما این انقلاب به شدت محتاج جهش و تحول است.» او که درباره مسائل مربوط به جوان ها تحقیق می کند، می گوید جای هیچ تعجبی نیست که نسل جوان تری که تجربه تلخ «دوران ویژه» دهه ۹۰ را در بهترین سال های زندگی اش پشت سر گذاشته و با داشتن دوستانی در خارج از کشور مزه وسوسه کننده «میوه ممنوع» مصرف گرایی را چشیده یا شنیده اکنون ناراضی ترین نسل انقلاب باشد. مسلماً مصرف گرایی در کوبا معنای چندانی ندارد. جیره های ماهانه بسیار اندک است و برای نمونه شامل یک چهارم لیتر روغن آشپزی، شش تخم مرغ و چهار کیلو برنج و حبوبات می شود. «خوان» پیرمرد ۶۸ساله ای که در ساحل مالکون کنار هاوانا ماهی می گیرد تا به گفته خودش چیزی برای گذاشتن کنار برنج داشته باشد، می گوید: «با این حال نمی توانم چندان شکایتی داشته باشم، چون اینجا تنها کشور بدون مشکل است. گاهی دوست دارم غذای بیشتری برای خوردن داشته باشم، اما برای بقیه چیزها سپاسگزار فرمانده هستم.» این حرف ها «سیگل» ۳۱ساله را که کنار او نشسته، برآشفته می کند. سیگل می گوید: «مثل روز روشن است که به غذای بیشتری احتیاج داریم و تازه مسئله فقط این نیست. ما خیلی تحت فشار هستیم.» این اختلاف نظر شکاف نسل ها در کوبا را به خوبی نشان می دهد. انقلاب بسیاری از نیازهای اولیه کوبایی ها را برآورده کرده است. سیستم آموزشی به گونه ای است که هیچ کس بی سواد نمی ماند و سیستم بهداشتی و درمانی رایگان است. اما سیگل و هم نسلانش که با این امتیازات بزرگ شده اند، نبود آنها را احساس نکرده اند و اکنون به دنبال چیزهای جدیدتری می گردند. بعضی هم مانند «آبل» پزشک ۳۰ساله معتقدند دستاوردهای پیشین نتیجه معکوس به بار آورده است. او می گوید: «ما دکتر داریم ولی دارو نداریم و اگر بخواهند همین طور ما را به کشورهای دیگر صادر کنند به زودی دکتر هم نخواهیم داشت.» دارو در کوبا کمیاب و بسیار گران قیمت است و دلیل اصلی آن تحریم آمریکا است. منظور او از صدور پزشک اعزام دکترهای کوبایی به کشورهای دیگر آمریکای لاتین همچون ونزوئلا، بولیوی و اکوادور است. در سال های اخیر کوبا بیش از ۲۳ هزار پزشک صادر کرده است. از سوی دیگر دکتر «اومار اورلنی» از مرکز تحقیقات اقتصادی کوبا می گوید صادرات پزشک، دارو و مهارت های بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک ۹۰۰ میلیون پوند مازاد تجاری برای کوبا به ارمغان آورده است. او می گوید: «کمبودهایی که الان ناچاریم تحمل کنیم بهایی است که برای داشتن آینده بهتر می پردازیم.»

اما کاسترو کم کم ۸۰ساله می شود و شاید لازم باشد «آینده بهتر» زودتر خودش را نشان دهد. ممکن است بعد از او کوبایی ها تمایل چندی برای پرداخت بهای لازم نداشته باشند چرا که اقتدار و نفوذ کاسترو بسیاری از مسائل حکومت را خود به خود حل می کرد. شاید «تصویر کاسترو» اولین قربانی جانشینان او باشد. این نظر کارلوس تاریخدان است که می گوید: «کاسترو برای بخش زیادی از مردم مسئولی محبوب است، اما بخش دیگری هم هستند که روز به روز به تعدادشان افزوده می شود و به فضای حاکم اعتراض دارند.» به نظر کارلوس مخدوش کردن تصویر کاسترو و انداختن او از چشم مردم شاید تنها راه زنده نگه داشتن انقلاب توسط نسل جوان حزب باشد.

حس ترس از آینده پیشرو، کم و بیش در تمام کوبا مشهود است. «ارنستو» هم نام ۳۴ساله چه گوارا که کارش حمل بار موز است می گوید: «به چه [گوارا] افتخار می کنم، اما کاسترو، به هیچ وجه. با این حال امیدوارم فیدل ۵۰ سال، ۱۰۰ سال یا ۱۵۰ سال دیگر عمر کند. چون به محض این که برود هرج و مرج همه جا را فرا می گیرد؛ یک هرج و مرج واقعی.» تردید و بلاتکلیفی در فضا موج می زند، حتی در «کاخ انقلاب» که خدایان انقلاب کوبا را در خود جای داده است: مجسمه ای از «خوسه مارتی»، شاعر و آزادیخواه کوبایی که در برابر سلطه اسپانیایی ها می جنگید و تندیسی فلزی از چه گوارا در ورودی وزارت کشور. سرباز جوانی با لباس نظامی زیتونی رنگ در کاخ قدم می زند. از او می پرسم به نظرش بعد از مرگ فرمانده چه اتفاقی خواهد افتاد. می گوید: «چه می دانم. هیچ کس نمی داند.» رو به مجسمه های مارتی و چه می کند و می گوید: «حتی آنها هم نمی دانند.

منبع: آبزرور

بوش در مصاحبه ی با لری کینگ:

تعجب می کنم اینقدر حالم خوب است

رئیس جمهور آمریکا گفت که مواجهه با پائین ترین میزان محبوبیت در طول دوره ریاست جمهوری اش برای او دردسر ساز نشده است. رئیس جمهور آمریکا به مناسبت جشن تولد شصت سالگی خود روز پنجشنبه در مصاحبه ای مفصل با لری کینگ مصاحبه گر شبکه سی ان ان گفت: «وقتی تاریخ به عقب بازگردد، ترجیح می دهم در مورد من به عنوان حلال مشکلات و یک فرد درستکار قضاوت شود تا یک فرد محبوب.» بوش در این مصاحبه اختصاصی همراه با همسرش لورا بوش در کاخ سفید اظهار داشت: «رئیس جمهوری که نتایج نظرسنجی ها را دنبال کند رئیس جمهوری است که مهار سیاست را از دست داده است.» بوش پیش بینی کرد که جمهوریخواهان اکثریت خود را در مجلس نمایندگان و سنا حفظ خواهند کرد. بوش در پاسخ به این سئوال که حتی اگر می دانست رژیم صدام سلاح کشتارجمعی ندارد آیا مجدداً سرنوشت سازترین تصمیم دوران ریاست جمهوری اش یعنی حمله به عراق را عملی می کرد، جواب مثبت داد. بوش در این مصاحبه که به مناسبت جشن تولد ۶۰ سالگی اش صورت گرفت، گفت: بسیار احساس جوانی می کنم، تعجب می کنم که این قدر حالم خوب است! به یاد دارم وقتی کودک بودم با نگاه به افراد ۶۰ ساله به خود می گفتم که اینها چقدر پیر هستند، اما من اکنون احساس بسیار خوبی دارم. بوش اظهار داشت از این که ریاست جمهوری آمریکا را برعهده دارد، خسته نشده است و گفت: کاملاً برعکس احساس می کنم بودن در این سمت یک افتخار است. لورا بوش همسر جورج بوش در پاسخ به این سئوال که همسرش از زمانی که رئیس جمهور آمریکا شده چقدر تغییر کرده، گفت: بزرگترین تغییر او، موهای خاکستری رنگش است. رئیس جمهور آمریکا که دولتش از اقدامات «غیر دموکراتیک» در روسیه انتقاد کرده است، گفت که امیدوار است هفته آینده گفت وگوهای شفاف و روشنی با همتای روس خود داشته باشد ولی در عین حال اظهار داشت که رئیس جمهور روسیه را سرزنش و نصیحت نخواهد کرد. بوش قرار است در اجلاس سران گروه هشت به میزبانی روسیه در سن پترزبورگ حاضر شود. او در پاسخ به این سئوال که آیا هنوز دوستی عمیقی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه دارد یا خیر، گفت: من واقعاً او (پوتین) را دوست دارم. من با همه تصمیم های او درباره امور داخلی روسیه موافق نیستم ولی برای من بسیار مهم است که برای انجام مذاکرات خوب و شفاف با پوتین رابطه شخصی خوبی با او داشته باشم. پنج سال پیش بوش در اولین دیدار خود با ولادیمیر پوتین گفت که پیوند درونی عمیقی با وی برقرار کرده است.

در سالگرد انفجارهای هفتم ژوئیه

نوار ویدیویی یکی از بمب گذاران انتحاری لندن پخش شد

دولت انگلیس روز جمعه با برگزاری مراسمی به مناسبت نخستین سالگرد چهار انفجار انتحاری در لندن، یاد قربانیان آن را گرامی داشت. «تسا جوئل» وزیر فرهنگ انگلیس و «کن لیوینگستون» شهردار لندن در ساعت ۸ و ۵۰ دقیقه بامداد با حضور در میدان «کینگز کراس» لندن و با گذاشتن دسته های گل، به قربانیان این حمله ادای احترام کرد. در سالگرد بمب گذاری های هفتم ژوئیه تلویزیون بریتانیا هم اقدام به پخش نوار ویدیویی یکی از بمب گذاران انتحاری این حملات کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، شهزاد تنویر که با لهجه اهالی شمال انگلیس صحبت می کرد در این نوار اظهار داشت: آنچه شما شاهدش بودید تنها شروع زنجیره ای از حملاتی است که ادامه خواهد داشت و شدیدتر هم خواهد شد. تنویر ۲۲ساله به همراه سه نفر از هم دستانش با بمب گذاری در سه متروی زیرزمینی و یک اتوبوس دو طبقه در تاریخ هفتم ژوئیه سال گذشته ۵۶ نفر را به کام مرگ کشاندند و ۷۰۰ نفر دیگر را زخمی کردند. این نوار ویدیویی در شبکه BBC و شبکه اسکای نیوز انگلیس پخش شد. این تصاویر شامل بخش مجزایی بود که در آن ایمن الظواهری فرد شماره ۲ شبکه القاعده در کنار یک مسلسل مشاهده می شد. تنویر در پیامش به دولت انگلیس گفت: حملات تا زمانی که نیروهای متخاصم از افغانستان و عراق خارج نشده اند و حمایت مالی و نظامی انگلیس از آمریکا و اسرائیل متوقف نشده، ادامه خواهد داشت. تنویر با اشاره به اتباع غیر مسلمان انگلیس گفت که این افراد سزاوار این تهاجم بودند چرا که به دولتی رای دادند که مسلمانان را در خاورمیانه، عراق افغانستان و چچن سرکوب می کند. تنویر با سربندی مخصوص به رنگ سفید و قرمز در حالی که انگشتش را روی دوربین نگه داشته بود دیده می شد. مسئولان پخش گفتند که نوار را از شبکه الجزیره دریافت کرده اند. این نوار ویدئویی همچنین شامل تصاویری از افرادی که اقدام به بمب گذاری می کردند، بود و نیز فردی به تصویر کشیده شد که به نقشه لندن اشاره می کرد. پیشتر نوار ویدیویی منتسب به محمد صدیق خان از بمب گذاران انتحاری حملات هفتم ژوئیه در ماه سپتامبر پخش شده بود. هر دو بمب گذار در جریان حملات کشته شدند و گفته می شود که پیش از وقوع حملات به پاکستان سفری داشته و با رهبران القاعده دیدار کرده اند. تونی بلر نخست وزیر انگلیس، پلیس و سرویس های امنیتی انگلستان بر این باورند که تهدیدات همچنان به قوت خود باقی است. روسای پلیس انگلیس اعلام کرده اند که در حال رسیدگی به ۷۰ پرونده مرتبط با عملیات های تروریستی در خارج و داخل لندن هستند و افسران انگلیسی از هفتم ژوئیه تاکنون از وقوع سه و یا چهار حمله تروریستی دیگر پیشگیری کرده اند.

نگاه کارشناس

دستاورد منفی کره شمالی از موشک دوربرد

دکتر حسین دهشیار

موقعیت هر کشوری در صحنه جهانی باید بازتاب تعامل دو مولفه در نظر گرفته شود.

■ ۱- عملکرد حاکم کشور

چشم اندازی که تصمیم گیرندگان یک کشور برای سرزمین خود ترسیم می کنند و چگونگی ارائه این تصویر یک انتهای موقعیتی است که کشور در آن قرار دارد. در این چارچوب است که می بایستی نقشی قاطع برای رهبر کره شمالی «کیم جونگ ایل» در شکل دادن به جایگاه امروزی کشور کره شمالی در نظر گرفت. کسی که شیوه پوشش اش، نحوه نگرش او به نقش خود در حزب برای حیات دادن به سیاست های کشور و نگاه او به توده ها به عنوان کسانی که وظیفه خدمتگزاری به ساختار قدرت را دارند همگی نمایانگر این واقعیت هستند که او مدل حکومت ژوزف استالین در دهه ۱۹۳۰ در اتحاد جماهیر شوروی را شایسته ترین نحوه اداره یک جامعه می یابد. استالین نزدیک به ۲۰ میلیون نفر را روانه اردوگاه های کار اجباری ساخت تا کشاورزی اشتراکی را در کشور خود تحقق دهد و صنعتی شدن شوروی را نهایی کند. از نظر استالین تعداد تانک، توپ و از همه مهم تر در اختیار داشتن بمب اتمی و توانایی در شلیک موشک های بالستیک قاره پیما معیارهای واقعی قدرت بودند. سقوط شوروی در ۱۹۹۲ در عین داشتن نزدیک به ۲۰ هزار کلاهک هسته ای و بیشترین میزان تانک در مقام مقایسه با کشورهای دشمن و داشتن بیش از یک میلیون سرباز در پادگان ها، برای همه محرز ساخت که شیوه استالینی و نگرش استالینی دیگر جوابگو نیست. یکی از معدود حکمرانانی که این منطق برآمده از تحولات تاریخی را هضم نکرده است رئیس تنها حکومت استالینی در جهان است. کیم جونگ ایل با منحرف کردن تمامی منابع محدود کشور در جهت دستیابی به توانمندی هسته ای و قابلیت پرتاب موشک های قاره پیما، شرایطی را رقم زده است که کره شمالی بیشتر از دو گزینه افراطی انزوا و یا تسلیم در برابر آمریکا در اختیار ندارد. در ابتدا او با درهم فرو ریختن تعهد درخصوص خودداری از توسعه توانمندی های هسته ای خود را درگیر با نهادهای بین المللی مسئول کنترل سلاح های هسته ای کرد. حتی سفر مادلین آلبرایت وزیر خارجه وقت آمریکا و تعهدات این کشور برای اهدای کمک های اقتصادی و ایجاد رآکتورهای آب سبک برای کره شمالی منجر به این نشد که این کشور از قرارداد منع تکثیر سلاح های هسته ای خارج نشود. در کنار این اقدام، کره شمالی نیت خود را درخصوص آزمایش موشک های میان برد و دوربرد پنهان نکرد. از دید حکمران کره شمالی توان هسته ای هنگامی به عنوان یک برگ برنده در مذاکرات بین المللی قابل استفاده است که موشک های دورپرواز برای حمل کلاهک های هسته ای نیز در اختیار باشند. پرتاب هفت موشک در اوایل ماه جولای باید تلاشی در جهت این سیاست قلمداد شود. از این تعداد موشک شش عدد آن موشک های کوتاه برد و میان برد از نوع اسکاد بودند که فاقد هرنوع قدرت بازدارندگی یا برهم زننده معادله نظامی در شرق آسیا هستند. اما آنچه توجه کشورهای منطقه مخصوصاً ژاپن را به خود جلب کرده بود، آزمایش موشک قاره پیمای تئوپودونگ ۲ بود. این موشک که بین ۳۵۰۰ تا ۷ هزار کیلومتر برد دارد قادر است که به ایالات آلاسکا و هاوایی آمریکا برسد و خاک اصلی ژاپن را نیز در تیررس خود دارد. البته آزمایش موشک با شکست روبه رو شد اما نشان داد که کره شمالی از قابلیت دستیابی نهایی به این نوع موشک دورپرواز برخوردار است. پرتاب این موشک ها نه تنها منجر به افزایش ضریب امنیتی کره شمالی نشد بلکه این کشور را منزوی تر از همیشه ساخته است. کشورهای مطرح منطقه این حرکت را زیر سئوال بردند و عملکرد سیستم حاکم بر کره شمالی را به باد انتقاد گرفتند. کیم جونگ ایل با این سیاست و بر اساس ارزیابی های خود مبنی بر اهمیت استراتژیک دستیابی به موشک های بلندپرواز شرایطی را شکل داده است که کشور کاملاً منزوی شود. تنها کشوری که اظهار رضایت از سیاست های کره شمالی کرده است ونزوئلا است که هوگو چاوس اعلام کرده در آینده نزدیک برای ملاقات و تبادل ایده با «استالین کوچک» حاکم کشوری که در اواخر دهه ۱۹۹۰ نزدیک به دو میلیون نفر از مردم در آن از گرسنگی مردند به این کشور مسافرت خواهد کرد. کره شمالی به انزوا کشیده شده است به دلیل اینکه سیاست های حاکم بر کشور شرایط ضروری برای حیات دادن به آن را به وجود آورده است.

■ ۲- عملکرد کشور دشمن

وضعیت امروز کره شمالی محققاً ناشی از سیاست های گردانندگان این کشور است. در عین حال این موقعیت ناشی از سیاست های ایالات متحده آمریکا به عنوان دشمن موجودیتی کره شمالی نیز هست. ایالات متحده در سال های اخیر موفق شده معضلی را که به سبب سیاست های کره شمالی با آن روبه رو شده است، به مشکلی منطقه ای تبدیل کند. این بدان معناست که در کشورهای همسایه این اتفاق نظر در مورد عملکرد کره شمالی به وجود آمده است که آنها باید بیش از همه نگران دستیابی کره شمالی به سلاح هسته ای باشند و تلاش این کشور برای تکمیل تکنولوژی موشک های قاره پیما کشورهای منطقه را نگران می کند. به همین روی از همان آغاز به قدرت رسیدن جورج دبلیو بوش، آمریکا به طور متوالی و قاطع اعلام کرد که تحت هیچ شرایطی به طور مستقیم با کره شمالی به مذاکره نخواهد پرداخت بلکه تنها در قالب یک مجموعه متشکل از کشورهای منطقه که دارای حساسیت نسبت به سیاست های کره شمالی هستند به پای میز مذاکره می رود. بر اساس همین منطق بود که کره شمالی درگیر مذاکرات شش جانبه